فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۸، شماره ۲۲، تابستان ۱۴۰۲

نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و صمیمیت زناشویی

مهران آزادی[۱] نسیم ثانی[۲]

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و صمیمیت زناشویی بود. روش پژوهش کمّی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متاهل مراجعه‌کننده به سرای محله زرگنده شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بودند. حجم نمونه ۲۶۰ نفر از این افراد بر اساس دیدگاه کلاین(۲۰۱۵) و به شیوه نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس انتخاب و به پرسشنامه تجارب نزدیکی در روابط صمیمانه فرالی، والر و برنان(۲۰۰۰)، فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ نسخه سوم یانگ(۲۰۰۵) و مقیاس صمیمیت زناشویی والکر و تامپسون(۱۹۸۳) پاسخ دادند. پس از کنار گذاشتن ۱۱ پرسشنامه داده پرت، ۲۴۹ نفر با ارزیابی الگوی پیشنهادی از طریق مدل تحلیل مسیر با استفاده از SPSS و Lisrel تحلیل شد. بر اساس یافته های این پژوهش، مدل اصلاح شده از برازش مطلوبی برخوردار بود. به طورکلی نتایج نشان داد بیشتر مسیرهای مستقیم معنادار شدند($P<۰/۰۵$). همچنین مسیرهای غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی ناایمن نیز از طریق طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صمیمیت زناشویی معنادار بود. مدل ارزیابی شده از برازندگی مطلوبی برخوردار است و گام مهمی در جهت شناخت عوامل مؤثر بر صمیمیت زناشویی زنان متاهل است.

واژگان کلیدی: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی، صمیمیت زناشویی.

۱- استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۲- کارشناسی ارشد، روانشناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

مقدمه

خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی، عاطفی و شکل‌دهنده‌ی شخصیت آدمی با پیوند زناشویی زن و مرد و ازدواج آنها با هم شکل می‌گیرد (بئان، لیدرمن، هیگنبوثان و گالیهر[1] ۲۰۲۰). بر این اساس، نیاز به برقراری ارتباط توام با صمیمت (پولتی[2] و همکاران، ۲۰۱۹) و عشق از اساسی‌ترین دلایلی است که زن و مرد را به سوی انتخاب و پیوند زناشویی با هم می‌کشاند (وولس و مارک[3] ۲۰۲۰). افزون بر اینکه زندگی زناشویی کانون بسیاری از هیجانات مثبت و پیامدهای سازنده برای زوجین است، اما برخی اوقات این کانون خانواده می‌تواند در معرض تهدیداتی باشد که زندگی زناشویی را با خطراتی مواجه سازد (تامپسون، کاپیسیوس، کولیبرت و دویل[4] ۲۰۲۰). یکی از این خطرات پایین بودن سطح صمیمیت زناشویی[5] زوجین است که یک مشخصه کلیدی و مهم روابط زناشویی و از ویژگی‌های بارز یک ازدواج موفق به شمار می‌آید و نبود یا کمبود آن یک شاخص آشفتگی در رابطه زناشویی است (نظری، اعتمادی و عابدی، ۱۳۹۸). داشتن روابط صمیمیانه یکی از بزرگترین موهبت‌های انسانی است، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد هیچ به اندازه آن نمی‌تواند در بهزیستی روانشناختی و بالا بردن کیفیت کارکردهای انسان نقش داشته باشد. در این راستا، توسعه صمیمیت بین همسران اولین قدم در جهت ایجاد یک ازدواج مطلوب است. اصطلاح صمیمیت اغلب برای اشاره به حس کلی همسران از نزدیکی با یکدیگر استفاده شده است. لذا صمیمیت زناشویی تعاملی است که محور آن، شناخت، فهم، پذیرش، همدلی با احساسات فرد دیگر و قدردانی می‌باشد که نتیجه افشای مسائل صمیمیانه و در میان گذاشتن تجارب صمیمیانه است (ون آپ و همکاران[6] ۲۰۰۸؛ به نقل از ابراهیمی، گودرزی و عیسی نژاد، ۱۳۹۸). بر اساس نظریه دلبستگی بالبی[7] و بر طبق نتیجه یک پژوهش صمیمیت زناشویی، یک عنصر ترکیبی است و شامل عناصر متعددی نظیر محبت، هیجان، خودافشایی، تطابق، تشابه، استقلال و دلبستگی می‌شود (آقایی و موسوی، ۱۳۹۹). ترکیب و تعادل همه این عناصر منجر به ایجاد و تداوم صمیمیت می‌شود. شرایط دوران کودکی به ویژه تجارب خانوادگی و کیفیت رابطه مادر و کودک نقش مهمی در شکل‌گیری صمیمیت دارند. صمیمیت در دوران بزرگسالی از دلبستگی ایمن در دوران کودکی ناشی می‌شود. برای افراد دارای سبک دلبستگی ایمن آسان است که با دیگران رابطه نزدیک برقرار کنند، به دیگران تکیه کنند و نیز اجازه دهند که دیگران به آنها تکیه کنند و می‌توانند به طور کامل به دیگران اعتماد کنند (آقایی و موسوی، ۱۳۹۹). نظریه دلبستگی نیز که به توصیف آسیب‌های ناشی از سبک دلبستگی و موقعیت ناایمن کننده ارتباطات می‌پردازد (ماکسول، داویس، میلر و وولی[8] ۲۰۲۰). بر اساس نظریه دلبستگی بالبی، بسیاری از مشکلات زناشویی نتیجه محرومیت کودک از مراقبت مادرانه و یا عدم ثبات رابطه کودک با چهره دلبستگی است (واگنر، ماتسون، داویلا، جانسون و کامرون[9] ۲۰۲۰). بر دیدگاه دلبستگی بالبی، سبک‌های دلبستگی مانند ناایمن اجتنابی با سطوح بالای افسردگی (خان، فرالی، یانگ و هانکین[10] ۲۰۱۹)، کیفیت زندگی پایین (واردروپ، گرین، نورمن و روبر[11] ۲۰۱۹)، سلامت جسمی ضعیف (پیترومواکو و بک[12] ۲۰۱۹)، سلامت روان نامطلوب همراه هستند (کناک، گبلگر، برسزکی و میکلوسی[13] ۲۰۱۶).

از طرفی دیگر یکی از متغیرهایی که می‌تواند با سبک‌های دلبستگی در ارتباط باشد(شجاع الدینی و عزیزی سعید، ۱۳۹۷) و خود نیز بر صمیمیت زناشویی تاثیرگذار باشد، طرحواره‌های ناسازگار اولیه است (سیفی‌زاده، زارعی محمودآبادی و بخشایش، ۱۳۹۸). لذا طرحواره‌های ناسازگار اولیه متغیر واسطه‌ای مناسبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و صمیمیت زناشویی هستند. طرحواره‌ها به عنوان بازنمایی‌های سازمان یافته از تجربیات دوران اولیه زندگی توصیف شده‌اند که بر ادراک[14] رفتارها و

---

1. Bean, R. C., Ledermann, T., Higginbotham, B. J., & Galliher, R. V.
2. Poletti, B.,
3. Vowels, L. M., & Mark, K. P.
4. Thompson, A. E., Capesius, D., Kulibert, D., & Doyle, R. A.
5. intimacy infidelity
6. Van Epp, M.,
7. Bowlby attachment theory
8. Maxwell, M. D., Davis, S. D., Miller, M. M., & Woolley, S. R.
9. Wagner, S. A., Mattson, R. E., Davila, J., Johnson, M. D., & Cameron, N. M.
10. Khan, F., Fraley, R. C., Young, J. F., & Hankin, B. L.
11. Wardrope, A., Green, B., Norman, P., & Reuber, M.
12. Pietromonaco, P. R., & Beck, L. A.
13. Konok, V., Gigler, D., Bereczky, B. M., & Miklósi, Á.
14. perceptions

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

افکار[1]افراد تاثیر بسزایی دارند. در میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه موضوعاتی آسیب رسان گسترده، فراگیر و معنادار در مورد خودمان و روابط مان با دیگران هستند که در طول سال‌های اولیه کودکی شکل می‌گیرند(استیونز، اوزرینجائوریگی، هرورو-فرناندز و جائوریگوی[2]، ۲۰۱۹).

طرحواره‌های ناسازگار می‌توانند از طریق تجارب‌های مشابه باعث برانگیخته شدن پاسخی در موقعیت آزارنده اولیه به وجود بیایند و بعدا در موقعیت‌های مشابه باعث برانگیخته شدن پاسخی شوند که در گذشته ظاهر شده بود. مشکلات روانشناختی در افراد از راهبردهای کنار آمدن است که فرد برای دوری از تأثیر منفی طرحواره‌های ناسازگار برانگیخته شده به‌کار می‌برد. طرحواره‌های ناسازگار اولیه که مضامینی فراگیر و پایدار درباره خود، دیگران و جهان تعریف می‌شود، روش‌های شناختی و رفتاری مشاهده و تعامل با جهان است که بسیار انعطاف‌ناپذیر و در برابر تغییر مقاوم‌اند(فراوانی، امینی، دیره و شفیع‌آبادی، ۱۳۹۸). طرحواره‌های ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل می‌گیرد؛ در مسیر زندگی تداوم می‌یابد؛ به حرکت خود ادامه می‌دهد و خودشان را به تجارب بعدی زندگی تحمیل می‌کنند(بختیاری، حسینی، عارفی و افشاری‌نیا، ۱۳۹۸). از آنجایی که پژوهشی که نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و صمیمیت زناشویی را در قالب یک مدل مورد بررسی قرار داده باشد، وجود ندارد، لذا در راستای پاسخگویی به این خلاء تحقیقاتی، سوال پژوهش حاضر این بود که طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و صمیمیت زناشویی دارای نقش واسطه‌ای است؟

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر کمّی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه زنان متاهل مراجعه‌کننده به سرای محله زرگنده شهر تهران به تعداد ۴۱۲ نفر بودند. حجم نمونه بر اساس مدل کلاین(۲۰۱۵) به تعداد ۲۶۰ نفر برآورد شد، که بعد از بررسی داده‌ها تعداد ۲۴۹ نفر به عنوان داده سالم تحلیل شدند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی و استنباطی عمل شد. در سطح توصیفی جهت سنجش متغیرهای پژوهش از میانگین و انحراف معیار استفاده شد. بود. در سطح آمار استنباطی جهت بررسی روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر بود. در این پژوهش، برای برازش مدل پیشنهادی از شاخص‌های برازندگی شامل برازش هنجار شده(NFI)[3]، شاخص برازش مقایسه‌ای(CFI)[4]، شاخص برازندگی افزایشی(IFI)، شاخص نیکویی برازش(GFI)[5]و شاخص نیکویی برازش انطباقی(AGFI)[6]و شاخص خطای ریشه‌ی مجذور میانگین تقریب[7](RMSEA) استفاده شد. همچنین نرم افزار تحلیل داده‌ها برنامه SPSS و LISREL نسخه ۲۴ بود.

ابزار پژوهش

پرسشنامه تجارب نزدیکی در روابط صمیمانه فرالی، والر و برنان[8](۲۰۰۰): این پرسشنامه با کمک ۳۶ ماده، در دو زیر مقیاس اضطرابی و اجتنابی، و بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت، سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی را می‌سنجد. کسانی که در زیر مقیاس اضطرابی نمره بالا می‌گیرند نیاز شدید به پذیرش و تایید دیگران داشته و تمایل به نگرانی در این موارد دارند که آیا همسرشان پاسخ دهنده و در دسترس خواهد بود یا نه؛ کسانی که در زیر مقیاس اجتنابی نمره بالا می‌گیرند از ایجاد روابط صمیمانه با دیگران ناراحت هستند، چنین افرادی احساس می‌کنند که اگر احساسات و عواطفشان را ابزار کنند، صدمه خواهند دید. بزرگسالان ایمن از هردو مقیاس نمره پایینی کسب می‌نمایند (پیوسته کار، ۱۳۸۹). فرالی، والر و برنان(۲۰۰۰)، پایایی این پرسشنامه ۰/۷۰ و روایی آن برای هر دو مقیاس بالاتر از ۰/۹۰ گزارش شده‌است. نتایج اعتباریابی این پرسشنامه نشان می‌دهد ضریب آلفای کرونباخ آن برای زیرمقیاس اجتنابی ۰/۶۸و اضطرابی ۰/۸۴ بوده‌است (شکر کن، خجسته مهر، عطاری، حقیقی، شهنی، ۱۳۸۵). ضرایب آلفای کرونباخ در این پژوهش برای اجتنابی، ۰/۷۱ و اضطرابی، ۰/۸۱ محاسبه شد.

---

1. thoughts
2. Estévez, A., Ozerinjauregi, N., Herrero-Fernández, D., & Jauregui, P.
3. normal fit index (NFI)
4. comparative fit index (CFI)
5. goodness of fit index (GFI)
6. adjusted goodness of fit index (AGFI)
7. root mean square error of approximation (RMSEA)
8. Fraley, R. C., Waller, N. G., & Brennan, K. A.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ نسخه سوم یانگ[1](۲۰۰۵): این پرسشنامه ۹۰ سوالی پنج حوزه اصلی و ۱۸ خرده مقیاس را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری آن بر اساس طیف ۶ درجه ای لیکرت صورت می‌گیرد به این صورت کاملا غلط، ۱ نمره، تقریبا غلط ۲ نمره، بیشتر درست است تا غلط ۳ نمره، اندکی درست ۴ نمره، تقریبا درست ۵ نمره و کاملا درست ۶ نمره تعلق می‌گیرد. در پژوهش‌های داخل ایران برای بررسی قابلیت اعتماد پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است که در یک پژوهش ضریب کل سوالات ۰/۹۶(برجی، فرشادنیا، خرمی و قهاری، ۱۳۹۸) و در پژوهشی دیگر آلفای کرونباخ مولفه‌ها در دامنه بین ۰/۸۹ تا ۰/۹۶ گزارش شده است(شعبانی خدیو و احمدیان، ۱۳۹۸). در خارج از کشور برای بررسی قابلیت اعتماد پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضرایب مولفه‌ها در دامنه ۰/۶۳ تا ۰/۸۵ گزارش شده است (فیلیپس، بروکمن، بایلی و کنیبون[2]، ۲۰۱۹). ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش برای نمره کل پرسشنامه ۰/۹۱ محاسبه شد.

مقیاس صمیمیت زناشویی والکر و تامپسون[3](۱۹۸۳)

این مقیاس دارای ۱۷ ماده است و هر ماده در یک طیف ۷ درجه‌ای از هرگز تا همیشه نمره‌گذاری می‌شود که نمره بالاتر نشان‌دهنده صمیمیت بالاتر است. این مقیاس با ضریب آلفای ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ از همسانی درونی خوبی برخوردار است (والکر و تامپسون، ۱۹۸۳). همچنین نتایج هنجاریابی داخلی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ، ۰/۹۶ محاسبه شده است (اعتمادی، نوابی نژاد، احمدی و فرزاد، ۱۳۸۵). در یک پژوهش دیگر آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۸۹ به دست آمده است(فتح الله‌زاده، میرصفی فرد، کاظمی، سعادتی و نوابی نژاد، ۱۳۹۶). ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۹۲ محاسبه شد.

یافته‌ها

جدول۱. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرها و ضرایب همبستگی بین متغیرها

متغیرهای وابسته	میانگین± انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	۱	۲	۳
۱-دلبستگی اضطراب	۵۷/۱۷±۹۸/۰۶	۰/۶۹	-۰/۰۶	۱	-	-
۲-دلبستگی اجتنابی	۶۷/۲۰±۵۵/۹۳	۰/۱۸	-۰/۹۷	۰/۴۴۲**	۱	-
۳-صمیمیت زناشویی	۵۳/۲۰±۰۶/۳۹	-۰/۳۸	-۱/۰۱	۰/۵۸۲**	۰/۶۳۹**	
رهاشدگی	۱۴/۶±۰۴/۰۸	۰/۶۶	-۰/۴۲	۰/۳۷۰**	۰/۴۶۴**	۰/۵۲۶**
بی‌اعتمادی	۱۲/۵±۷۳/۵۲	۰/۶۱	-۰/۳۸	۰/۳۵۵**	۰/۴۶۳**	۰/۵۶۲**
محرومیت هیجانی	۱۳/۶±۶۴/۶۶	۰/۷۰	-۰/۴۱	۰/۵۵۴**	۰/۶۹۰**	۰/۷۴۸**
شرم	۱۰/۴±۰۹/۴۵	۰/۶۱	-۰/۵۳	۰/۴۸۴**	۰/۴۹۲**	۰/۶۵۸**
انزوا	۱۲/۵±۹۷/۴۵	۰/۶۱	-۰/۳۸	۰/۴۵۰**	۰/۶۴۵**	۰/۶۹۰**
وابستگی	۱۰/۴±۶۴/۶۷	۰/۷۳	-۰/۲۳	۰/۳۶۳**	۰/۳۹۸**	۰/۴۵۳**
آسیب‌پذیری	۱۱/۵±۴۱/۰۷	۰/۸۱	۰/۳۲	۰/۲۴۳**	۰/۳۹۶**	۰/۴۵۷**
گرفتار	۱۲/۴±۳۱/۹۶	۰/۸۰	۰/۱۰	۰/۲۳۶**	۰/۳۰۷**	۰/۳۵۵**
شکست	۱۱/۴±۱۶/۷۳	۱/۱۳	۱/۰۷	۰/۱۷۸**	۰/۳۷۴**	۰/۳۳۶**
استحقاق	۱۶/۵±۵۹/۳۰	۰/۲۷	-۰/۵۵	۰/۱۵۵**	۰/۳۵۸**	۰/۳۸۸**
خویشتن‌داری ناکافی	۱۴/۵±۷۳/۳۰	۰/۱۷	-۰/۷۳	۰/۱۸۶**	۰/۳۹۲**	۰/۳۹۷**
اطاعت	۱۲/۵±۴۲/۸۸	۰/۹۸	۰/۴۸	۰/۳۱۰**	۰/۳۳۳**	۰/۳۴۹**
ایثار	۱۶/۶±۶۶/۰۵	۰/۳۷	-۰/۴۴	۰/۳۱۷**	۰/۴۱۶**	۰/۴۵۶**
پذیرش‌جویی	۱۷/۶±۰۳/۵۵	۰/۴۵	-۰/۷۶	۰/۳۰۹**	۰/۴۳۶**	۰/۴۰۵**
منفی‌گرایی	۱۴/۶±۰۴/۰۶	۰/۶۶	-۰/۳۲	۰/۳۵۴**	۰/۴۴۶**	۰/۴۹۶**
بازداری‌هیجانی	۱۲/۴±۰۷/۹۶	۰/۹۸	۰/۴۶	۰/۱۵۴**	۰/۳۷۰**	۰/۳۵۱**
معیارهای سرسختانه	۱۷/۵±۱۱/۷۰	۰/۲۰	-۰/۵۱	۰/۲۹۷**	۰/۴۳۷**	۰/۴۱۸**
تنبیه	۱۵/۵±۳۶/۲۶	۰/۳۸	-۰/۳۶	۰/۲۵۶**	۰/۴۳۲**	۰/۴۱۵**

[1]. Young, J. E.
[2]. Phillips, K., Brockman, R., Bailey, P. E., & Kneebone, I. I.
[3]. Walker, A. J., & Thompson, L.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای مشاهده شده در پژوهش حاضر از دو شاخص رایج برای بررسی نرمال بودن، شامل کجی و کشیدگی استفاده شد که نتایج جدول ۱ نشان داد مقدار چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در بازه (۲- تا ۲) قرار دارد که این نشان می‌دهد توزیع متغیرها از چولگی و کشیدگی نرمال برخوردارند. بنابراین، توزیع تمامی متغیرهای پژوهش نرمال است. جهت بررسی رابطه بین صمیمت زناشویی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی ناایمن(اضطرابی و اجتنابی)، همبستگی پیرسون اجرا شد. نتایج نشان داد که بین متغیرهای پژوهش رابطه معناداری وجود دارد. در ادامه برای بررسی این فرض که طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک دلبستگی اضطرابی و عدم صمیمت زناشویی نقش واسطه‌ای دارد از تحلیل مسیر استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۲- آمده است.

جدول ۲. اثرات تحلیل مسیر رابطه سبک دلبستگی اضطرابی و عدم صمیمت زناشویی با نقش واسطه‌اس طرحواره‌های ناسازگار اولیه

مسیرهای موجود در الگو	تأثیرات			سطح معناداری
	مستقیم	غیر مستقیم	اثرات کل	
سبک‌دلبستگی اضطرابی-> رهاشدگی	۰/۳۷	-	۰/۳۷	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اضطرابی-> بی‌اعتمادی	۰/۳۶	-	۰/۳۶	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اضطرابی-> محرومیت هیجانی	۰/۵۵	-	۰/۵۵	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اضطرابی-> نقص/شرم	۰/۴۸	-	۰/۴۸	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اضطرابی-> انزوا	۰/۴۵	-	۰/۴۵	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اضطرابی-> خود تحول‌نایافته/گرفتار	۰/۲۴	-	۰/۲۴	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اضطرابی-> اطاعت	۰/۳۱	-	۰/۳۱	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اضطرابی-> ایثار	۰/۳۲	-	۰/۳۲	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اضطرابی-> پذیرش‌جویی/جلب توجه	۰/۳۱	-	۰/۳۱	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اضطرابی-> منفی‌گرایی/بدبینی	۰/۳۵	-	۰/۳۵	۰/۰۰۱
محرومیت‌هیجانی -> عدم صمیمت زناشویی	۰/۵۲	-	۰/۵۲	۰/۰۰۱
نقص/شرم -> عدم صمیمت زناشویی	۰/۱۹	-	۰/۱۹	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اضطرابی-> صمیمت زناشویی (نقش واسطه‌ای محرومیت هیجانی)	۰/۲۴	۰/۲۹	۰/۵۳	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اضطرابی-> صمیمت زناشویی (نقش واسطه‌ای نقص/شرم)	۰/۲۴	۰/۰۵	۰/۲۹	۰/۰۰۱

همانطور که در جدول ۲- مشاهده می شود، سبک دلبستگی اضطرابی منجر به شکل‌گیری طرحواره‌های رهاشدگی (β=۰/۳۷)، بی‌اعتمادی (β=۰/۳۶)، محرومیت‌هیجانی (β=۰/۵۵)، نقص/شرم (β=۰/۴۸)، خودتحول نایافته/گرفتار (β=۰/۲۴)، اطاعت (β=۰/۳۱)، ایثار (β=۰/۳۲)، پذیرش‌جویی/جلب توجه (β=۰/۳۱)، منفی گرایی/بدبینی (β=۰/۳۵) شده‌است. همچنین سبک دلبستگی اضطرابی به صورت مستقیم (β=۰/۲۴)، و غیرمستقیم و با نقش واسطه‌ای محرومیت هیجانی(β=۰/۵۳)، و با نقش واسطه‌ای نقص/ شرم (β=۰/۲۹)، منجر به کاهش صمیمت زناشویی شده است (p<۰/۰۵). این نتایج نشان می‌دهد این مدل ۵۸ درصد از واریانس عدم صمیمت زناشویی را در زنان تبیین کرده است. همچنین اگر مقدار به دست آمده از شاخص خطای ریشه‌ی مجذور میانگین تقریب(RMSEA) کمتر از ۰/۰۸ باشد نشان دهنده برازش مدل است(شرمله انگل، موسبراگر و مولر[1] ۲۰۰۳)،

[1]. Schermelleh-Engel Moosbrugger & Müller

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

که در این پژوهش مقدار معناداری برای شاخص تقریب برازندگی (PCLOSE) ۰/۰۰۱ و شاخص RMSEA برابر ۰/۰۶۹ می‌باشد که بر اساس مدل کلاین(۲۰۱۶) نشان دهنده برازش مدل می‌باشد.

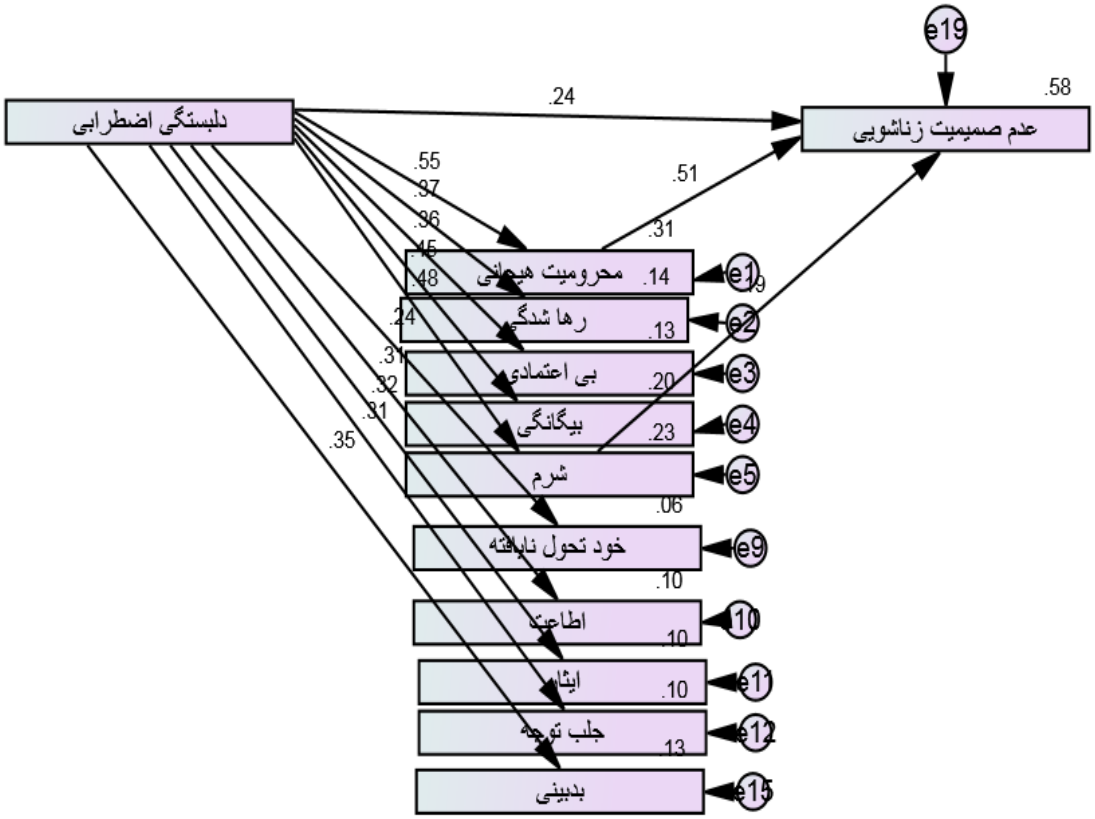

نمودار ۱- الگوی ساختاری اصلاح‌شده نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار در رابطه بین سبک دلبستگی اضطرابی و عدم صمیمیت زناشویی

جدول ۳. اثرات تحلیل مسیر رابطه سبک دلبستگی اجتنابی و عدم صیمیت زناشویی با نقش واسطه‌اس طرحواره‌های ناسازگار اولیه

مسیرهای موجود در الگو	تأثیرات			سطح معناداری
	مستقیم	غیر مستقیم	اثرات کل	
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> محرومیت هیجانی	۰/۶۹		۰/۶۹	
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> رهاشدگی	۰/۴۶	-	۰/۴۶	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> بی‌اعتمادی	۰/۴۶	-	۰/۴۶	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> انزوای اجتماعی/بیگانگی	۰/۶۴	-	۰/۶۴	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> نقص/شرم	۰/۴۹	-	۰/۴۹	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> شکست	۰/۳۷	-	۰/۳۷	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> وابستگی/بی‌کفایتی	۰/۴۰	-	۰/۴۰	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> آسیب‌پذیری	۰/۴۰	-	۰/۴۰	۰/۰۲
سبک‌دلبستگی اجتنابی->خودتحول‌نایافته/گرفتار	۰/۳۱	-	۰/۳۱	۰/۰۳
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> اطاعت	۰/۳۳	-	۰/۳۳	۰/۰۰۱

[1]. Kline

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

سبک‌دلبستگی اجتنابی-> ایثار	۰/۴۲	-	۰/۴۲	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> پذیرش‌جویی/جلب توجه	۰/۴۴	-	۰/۴۴	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> بازداری هیجانی	۰/۳۷	-	۰/۳۷	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> معیارهای سرسختانه	۰/۴۴	-	۰/۴۴	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> منفی‌گرایی/بدبینی	۰/۴۵	-	۰/۴۵	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی-> تنبیه	۰/۴۳	-	۰/۴۳	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی->استحقاق	۰/۳۶	-	۰/۳۶	۰/۰۰۱
سبک‌دلبستگی اجتنابی->خویشتن‌داری ناکافی	۰/۳۹	-	۰/۳۹	۰/۰۱
محرومیت‌هیجانی -> عدم صمیمت زناشویی	۰/۳۱	-	۰/۵۲	۰/۰۰۱
انزوای اجتماعی/بیگانگی-> عدم صمیمت زناشویی	۰/۱۹	-	۰/۱۹	۰/۰۰۱
نقص/شرم-> عدم صمیمت زناشویی	۰/۲۶	-	۰/۲۶	۰/۰۰۱
پذیرش جویی/جلب توجه-> عدم صمیمت زناشویی	-۰/۱۰	-	-۰/۱۰	۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی-> صمیمت زناشویی (نقش واسطه‌ای محرومیت هیجانی)	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۴۶	۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی-> صمیمت زناشویی (نقش واسطه‌ای انزوای اجتماعی/بیگانگی)	۰/۲۵	۰/۱۲	۰/۳۷	۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی-> صمیمت زناشویی (نقش واسطه‌ای نقص/شرم)	۰/۲۵	۰/۱۳	۰/۳۸	۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی-> صمیمت زناشویی (نقش واسطه‌ای پذیرش جویی/جلب توجه)	۰/۲۵	-۰/۰۴	۰/۲۱	۰/۰۰۱

همانطور که در جدول ۳- مشاهده می شود، سبک دلبستگی اجتنابی منجر به شکل‌گیری طرحواره‌های محرومیت هیجانی(β=۰/۶۹)، رهاشدگی (β=۰/۴۶)، بی‌اعتمادی (β=۰/۴۶)، انزوای اجتماعی/بیگانگی (β=۰/۶۴)، نقص/شرم (β=۰/۴۹)، شکست (β=۰/۳۷)، وابستگی/بی‌کفایتی (β=۰/۴۰)، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و بیماری (β=۰/۴۰)، محرومیت‌هیجانی (β=۰/۳۷)، خودتحول نایافته/گرفتار (β=۰/۳۱)، اطاعت (β=۰/۳۳)، ایثار (β=۰/۴۲)، پذیرش جویی/جلب توجه (β=۰/۴۴)، معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی (β=۰/۴۴)، منفی گرایی/بدبینی (β=۰/۴۵)، تنبیه (β=۰/۴۳)، استحقاق (β=۰/۳۶)، خویشتن‌داری/ خودانضباطی ناکافی (β=۰/۳۹) شده‌است. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی به صورت مستقیم (β=۰/۲۵)، و غیر مستقیم، با نقش واسطه‌ای محرومیت هیجانی(β=۰/۴۶)، انزوای اجتماعی/بیگانگی (β=۰/۳۷)، نقص/شرم(β=۰/۳۸)، و پذیرش‌جویی/جلب‌توجه(β=۰/۲۱) منجر به عدم صمیمت زناشویی شده‌است (p<۰/۰۵). این نتایج نشان می‌دهد این مدل ۵۸ درصد از واریانس عدم صمیمت زناشویی را در زنان تبیین کرده است. همچنین اگر مقدار به دست آمده از شاخص خطای ریشه مجذور میانگین تقریب(RMSEA) کمتر از ۰/۰۸ باشد نشان دهنده برازش مدل است(شرمله انگل، موسبراگر و مولر، ۲۰۰۳)، که در این پژوهش مقدار معناداری برای شاخص تقریب برازندگی (PCLOSE) ۰/۰۰۱ و شاخص RMSEA برابر ۰/۰۵۳ می‌باشد که بر اساس مدل کلاین (۲۰۱۶) نشان دهنده برازش مدل می‌باشد.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

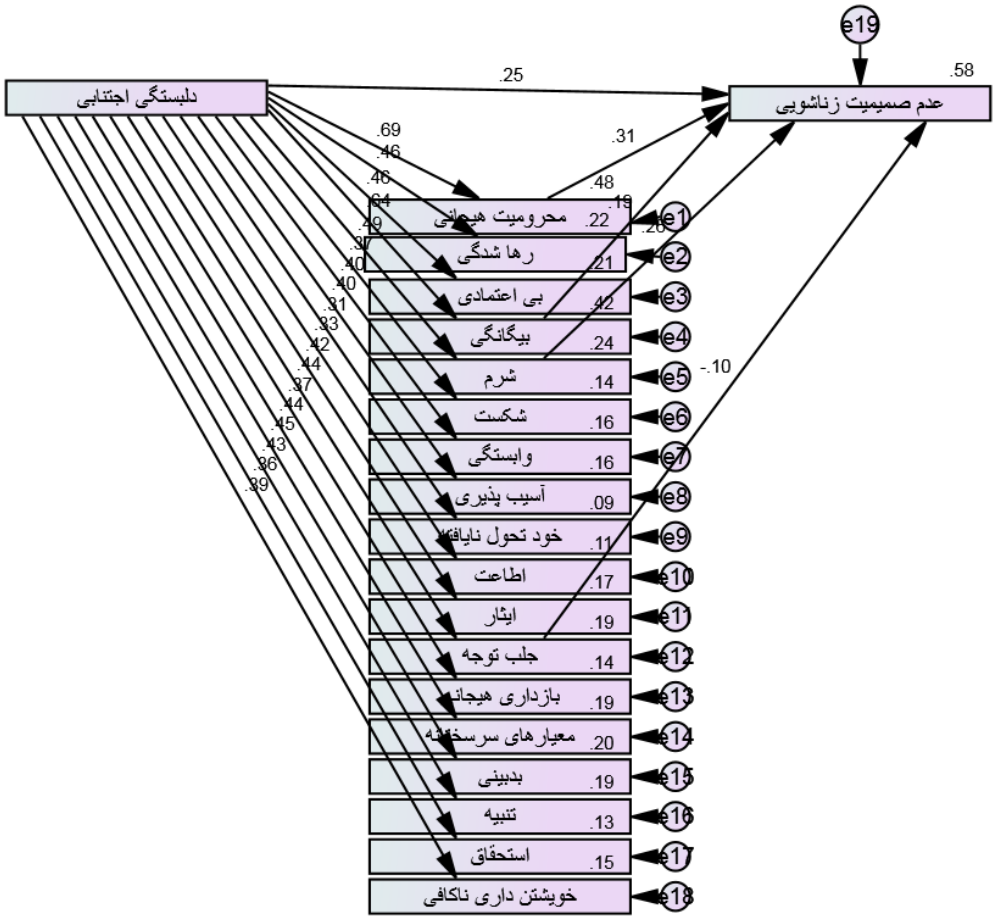

نمودار ۲- الگوی ساختاری اصلاح شده رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و صمیمت زناشویی را با نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج آزمون تحلیل مسیر نشان داد، طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و عدم صمیمت زناشویی اثر غیرمستقیم معنادار(نقش واسطه‌ای) دارد. طرحواره محرومیت هیجانی و طرحواره نقص/شرم در رابطه بین سبک دلبستگی اضطرابی و عدم صمیمیت زناشویی نقش واسطه‌ای دارد. همچنین سبک دلبستگی اضطرابی مستقیما در شکل‌گیری عدم صمیمیت زناشویی موثر است. از سوی دیگر طرحواره محرومیت هیجانی، طرحواره انزوای اجتماعی/بیگانگی، طرحواره نقص/شرم و طرحواره پذیرش‌جویی/جلب توجه در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و عدم صمیمیت زناشویی نقش واسطه‌ای دارد. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی مستقیما در شکل‌گیری عدم صمیمیت زناشویی موثر است. نتایج بدست آمده نشان داد طرحواره محرومیت هیجانی و طرحواره نقص/شرم در رابطه بین سبک دلبستگی اضطرابی و عدم صمیمیت زناشویی نقش واسطه‌ای دارد. همچنین سبک دلبستگی اضطرابی مستقیما منجر به شکل‌گیری عدم صمیمیت زناشویی می‌شود. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش اوکانر، ایزدی‌خواه، عابدینی و جکسون(۲۰۱۸)، آلدر، یورگاسون، سندبرگ، دیویس[۲](۲۰۱۷)، ایکن[۳] (۲۰۱۷)، حامدی و زارعی (۱۳۸۹) و شمس نطنزی (۱۳۹۱) همسو است.

در تبیین این نتیجه می توان به تداوم تاثیرات عمیق دلبستگی بر زندگی در بزرگسالی اشاره کرد. پژوهش‌های دلبستگی بر این نکته تأکید دارند که سبک دلبستگی فرد اگرچه در سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرد ولی در تمام طول عمر تداوم می‌یابد و ابعاد مختلف زندگی فرد از جمله روابط صمیمانه، عشق و ازدواج و چه بسا همسازی زناشویی وی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. افراد بزرگسال با دلبستگی اضطرابی در روابط عاطفی خود با دیگران انحصارگرا و وابسته بوده، دائماً نگران طرد شدن و رها شدن

[1]. O'Connor, P., Izadikhah, Z., Abedini, S., & Jackson, C. J.
[2] Alder, M. C., Yorgason, J. B., Sandberg, J. G., Davis, S.
[3] Eken, E.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

از سوی دیگران هستند، و با دلبستگی شدید به دیگری سعی در کاهش اضطراب جدائی خود دارند (فینی و نولر[1]، ۱۹۹۰). رفتارهای برگرفته از این نگرانی مانند رفتارهای سماجتی حاکی از وابستگی شدید می‌تواند منجر به دلگیری همسر شده و باعث دور شدن از وی شود. همچنین افراد با دلبستگی اضطرابی در جدایی‌های کوتاه مدت به شدت آزرده می‌شوند و اغلب با حملات آتشین به همسر احساس نگرانی خود را ابراز می کنند، که می تواند منجر به آسیب بیشتر به رابطه آن‌ها و دور شدن از احساس صمیمت شود. در نگاهی دیگر می‌توان به جنبه‌های سایکونوروبیولوژیک دلبستگی و ارتباط آن با شکل‌گیری روابط صمیمانه در بزرگسالی اشاره کرد. همچنین در تبیین رابطه طرحواره‌های ناسازگار با عدم صمیمیت زناشویی می‌توان به نتایج پژوهشگران حیطه خانواده و ازدواج، اشاره کرد. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند، باورهای افراد در مورد روابط و افکار ناکارآمدشان، از نشانه‌های بنیادی در تبیین مشکلات در ازدواج است (الیس[2] ۲۰۰۲؛ مارکمن، فلوید، استنلی، استوراسلی[3] ۱۹۸۸).

به عقیده بِک، اغلب مشکلات بین فردی که افراد تجربه می کنند تحت تاثیر شیوه تصور آنها در مورد خود و دیگران است. این شیوه تصور که طرحواره نامیده می‌شود باعث سوگیری در تفسیر ما از وقایع پیرامون مان می‌شود و این سوگیری در آسیب‌شناسی بین فردی (بخصوص در رابطه زوجین) به صورت سوتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف شده، فرض‌های غلط، اهداف و انتظارات غیرواقع بینانه تجلی پیدا می‌کند (یانگ و بک[4] ۱۹۹۳). این سوء برداشت ها بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی (زندگی مشترک) تأثیر می‌گذارند زیرا طرحواره‌ها در مسیر زندگی تداوم دارند و بر چگونگی رابطه فرد با خود و دیگران (به‌ویژه شریک زندگی) تأثیر دارند. در همین راستا جابری، اعتمادی و احمدی(۱۳۹۴)، نشان دادند درک درست پیامی که از همسر دریافت می‌شود می‌تواند میزان صمیمیت زناشویی را مشخص کند. پس می‌توان گفت که شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه، منجر به تحریف شناختی هیجانی در فرد می‌شود. این تحریف با تغییردادن مفهوم پیامی که از همسر فرد صادر می‌شود، بر رابطه اثر مخرب می‌گذارد. مثلا پیشنهاد یک سفر تفریحی به شخصی که درگیر طرحواره معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی است، بر خلاف معمول می تواند با بیدار کردن اضطراب برای برنامه‌ریزی، تغییر در شرایط جاری زندگی، ترس از عقب ماندن از وظایف و غیره همراه شود. این افکار و هیجانات می‌تواند بر خلاف انتظار همسرش به پاسخ‌های مبتنی بر پرخاشگری و بهانه‌گیری منتهی شود. علاوه بر این وقتی شخص درگیر طرحواره‌های ناسازگار می‌شود، در مواجهه با فعال شدن طرحواره، سبک‌های مقابله‌ای از قبیل تسلیم، اجتناب یا جبران افراطی نشان می‌دهد. این شیوه‌های رفتاری در مواجهه با موقعیت‌ها، می‌تواند پیام‌های غیرقابل درک یا متناقضی از جانب فرد، به‌همراه داشته‌باشد. مثلا زن در مواجهه با خشم همسر، بیشتر به او نزدیک می‌شود.

در تبیین نقش واسطه طرحواره محرومیت هیجانی و نقص/شرم، در رابطه سبک دلبستگی اضطرابی و عدم صمیمیت زناشویی می توان به روند شکل‌گیری این طرحواره‌ها و تاثیر آن‌ها بر روابط اشاره کرد. هر دو این طرحواره‌ها در حوزه بریدگی و طرد قرار دارند. طرحواره‌های این حوزه در آسیب به شکل‌گیری دلبستگی ایمن در افراد شکل می‌گیرند. افرادی که طرحواره‌شان در این حوزه قرار دارد، نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کنند. چنین افرادی معتقدند نیاز آن‌ها به امنیت، ثبات، محبت، همدلی، در میان گذاشتن احساسات، پذیرش و احترام به شیوه‌ای قابل پیش بینی ارضاء نخواهند شد. خانواده‌های این افراد اغلب بی‌عاطفه، سرد، مضایقه‌گر، منزوی، تندخو، غیرقابل پیش‌بینی یا بدرفتار بوده‌اند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۶). علاوه بر حوزه بریدگی و طرد، به شکل ویژه، افراد دارای طرحواره محرومیت هیجانی، انتظار ندارند تمایلات و نیازهایشان به حمایت عاطفی به اندازه کافی از جانب دیگران ارضاء شود. آن‌ها انتظار دارند رابطه با دیگران از جمله مهمترین رابطه صمیمی که قرار است با همسر شکل بگیرد، فاقد توجه، عطوفت یا همراهی باشد. انتظار دارند کسی آن‌ها را درک نکند، به حرف دل‌شان گوش ندهد. این طرحواره مانع خودافشایی یا در میان گذاشتن احساسات با دیگران می‌شود. این درحالی است خود افشایی یکی از محورهای اصلی تعریف صمیمت از دیدگاه اغلب نظریه‌پردازان حوزه صمیمیت است (شافر و السون[5] ۱۹۸۱). افراد دارای طرحواره نقص/شرم، احساس می‌کنند افرادی ناقص، نامطلوب، بد، حقیر و بی ارزش است یا این که در نظر افراد مهم زندگی‌شان، فردی نامطلوب به حساب می‌آید، و اگر خود را در معرض نگاه دیگران قرار دهند بدون شک طرد خواهند شد. این طرحواره با حساسیت بیش از حد نسبت به انتقاد، طرد، سرزنش و مقایسه، کم رویی و احساس ناامنی در حضور دیگران و حس شرمندگی در ارتباط

---

[1]. Feeny, J.A., & Noller, P.
[2]. Ellis, A.
[3] Markman, H. J., Floyd, F. J., Stanley, S. M., & Storaasli, R. D.
[4]. Young, J. E., Beck, T.
[5] Schaefer, M. T., & Olson, D. H.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

با عیب و نقص‌های درونی همراه است (یانگ، کلوسکو و ویشار[1] ۲۰۰۳). افراد دارای این طرحواره در شیوه مقابله‌ای تسلیم طرحواره، در روابط خود به دنبال کسانی می‌گردند که انتقادگر و طردکننده هستند تا به این واسطه به تحقیر شدن خود ادامه دهند. از سوی دیگر در شیوه مقابله‌ای جبران افراطی این طرحواره می توان انتظار داشت که فرد برای جلوگیری از انتقاد، تحقیر یا سرزنش دیگران، به شکل افراطی به انتقاد، تحقیر و سرزنش دیگران بپردازد. هر دو این شیوه‌های رفتاری که در مواجهه با فعال شدن طرحواره ناسازگار اولیه نقص/شرم انجام می‌شود، بر خلاف روند شکل گیری صمیمت در رابطه قرار دارد (آرنز[2] ۲۰۱۸).

همچنین نتایج بدست آمده نشان داد، طرحواره محرومیت هیجانی، طرحواره انزوای اجتماعی/بیگانگی، طرحواره نقص/شرم و طرحواره پذیرش‌جویی/جلب توجه در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و عدم صمیمیت زناشویی نقش واسطه‌ای دارد. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی مستقیما منجر به شکل‌گیری عدم صمیمیت زناشویی می‌شود. این نتیجه با نتایج پژوهش آلدر، یورگاسون، سندبرگ، دیویس(۲۰۱۷)، امانی و همکاران (۱۳۹۴) و هادی، اسکندری، سهرابی، معتمدی، فرخی (۱۳۹۵) هم راستاست. در تبیین این نتیجه می توان به تدام الگوهای دلبستگی از کودکی تا بزرگسالی و استفاده از این الگوها در رابطه با همسر اشاره کرد. افراد بزرگسال با دلبستگی اجتنابی در شیوه برقراری رابطه ممکن است تبدیل به افراد منفصلی شوند که از طریق فاصله گرفتن از روابط دلبستگی، خودانگاره مثبتی برای خود حفظ می کنند. صفت مشخصه آنان خوداتکایی وسواسی و کنترل هیجانی و کم ارزش تلقی کردن اهمیت روابط صمیمانه است. آنها تقریبا نسبت به طرد احتمالی از طرف دیگران بی‌تفاوت هستند. افراد منفصل به صورت دفاعی یاد گرفته اند به دنبال برآورده نشدن نیازهای دلبستگی‌شان، نظام دلبستگی را غیرفعال کنند. مکمل این فاصله هیجانی دفاعی، فاصله رفتاری اجتنابی است که به وسیله آن، فاصله در روابط نزدیک حفظ می‌شود(فینی و نولر، ۱۹۹۰)، پس می‌توان انتظار داشت با شکل‌گیری دلبستگی اجتنابی فرد از صمیمیت فاصله بگیرد.

در تبیینی دیگر می توان به بازنمایی ذهنی متفاوت افراد از خود و دیگران، بر اساس سبک‌های دلبستگی‌شان و تاثیر این بازنمایی ذهنی در شکل‌گیری روابط صمیمانه اشاره کرد. بر اساس مطالعات بارتلومیو و هورویتز[3](۱۹۹۱)، افراد ایمن با بازنمایی مثبتی از خود (فردی با ارزش و قابل محبت) و بازنمایی مثبتی از دیگران (افرادی پاسخ‌دهنده و مهربان) مشخص می‌شوند. در مقابل افرادی با دلبستگی اضطرابی بازنمایی منفی از خود و بازنمایی مثبت از دیگران، و افرادی با دلبستگی اجتنابی دارای بازنمایی مثبت از خود و بازنمایی منفی از دیگران هستند. نگاه منفی نسبت به دیگران می تواند منجر به شکل‌گیری سطوح پایینی از همبستگی و اتکای متقابل در زوجین، اختلال در تعهد زناشویی و سطوح پایینی از رضایتمندی زناشویی شود (استیوبر[4] ۲۰۰۵).

در تبیین نقش واسطه طرحواره محرومیت هیجانی، طرحواره انزوای اجتماعی/بیگانگی و طرحواره نقص/شرم می‌توان به روند شکل‌گیری این طرحواره‌ها و تاثیر آن‌ها بر روابط اشاره کرد. همانطور که یانگ (۱۹۹۹) بیان کرده‌است، طرحواره‌ها در پاسخ به عدم تامین پنج نیاز اساسی در افراد شکل می‌گیرد. او معتقد است عدم تامین نیاز به دلبستگی ایمن به دیگران منجر به شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار بنیادی در اوایل زندگی فرد می‌شود. یانگ (۱۹۹۹)، طرحواره‌های حوزه بریدگی و طرد را به عنوان طرحواره‌های ناسازگار بنیادی و غیرشرطی می‌داند که بیش از سایر طرحواره‌ها در پاسخ به دلبستگی ناایمن شکل می‌گیرند. این در حالی است که هر سه طرحواره محرومیت هیجانی، طرحواره انزوای اجتماعی/بیگانگی و طرحواره نقص/شرم در این حوزه قرار دارند.

افراد دارای طرحواره محرومیت هیجانی انتظار ندارند تمایلات و نیازهایشان به حمایت عاطفی به اندازه کافی از جانب دیگران ارضاء شود. در واکنش تسلیم این طرحواره، شخص به دنبال همسری می‌گردد که او نیز دارای محرومیت هیجانی باشد و به این شکل هیچ نیازی مطرح نمی‌شود و رابطه‌ای شکل نمی‌گیرد. در واکنش جبران افراطی به این طرحواره، شخص به شدت در تامین نیاز و خواسته همسر غرق می‌شود و فرصت بیان خواسته‌ها، افکار و نیازهای خود را در رابطه سلب می‌کند. در نتیجه رابطه یک طرفه‌ای شکل می‌گیرد که فاقد صمیمت است. در واکنش اجتنابی به این طرحواره افراد برای محافظت از خود از برقراری روابط صمیمانه با دیگران دوری می‌کنند تا مبادا طرحواره آن‌ها و افکار و هیجانات آزاردهنده همراه آن فعال شود. پس می توان گفت دلبستگی اجتنابی منجر به شکل‌گیری طرحواره محرومیت هیجانی می‌شود و این طرحواره به شکل‌های بیان شده مانع شکل‌گیری

---

[1]. Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E.
[2]. Arntz, A.
[3]. Bartholomew, K., & Horowitz, L. M.
[4]. Steuber, K. R.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

صمیمت زناشویی می‌گردد. افراد دارای طرحواره انزوای اجتماعی/بیگانگی، احساس می‌کنند با دیگران متفاوت هستند و وصله ناجور هر جمعی هستند. آن‌ها اغلب به هیچ گروه یا جامعه‌ای تعلق خاطر ندارند (آرنز، ۲۰۱۸). از آنجایی که اریکسون شکل‌گیری صمیمت در بزرگسالی را در نقطه مقابل شکل‌گیری انزوا در افراد می‌داند، می‌توان انتظار داشت وجود طرحواره انزوا سدی در برابر شکل‌گیری رابطه صمیمانه با دیگران، و رابطه صمیمانه با همسر در بستر خانواده شود. در تبیینی دیگر می‌توان به وجود جنبه‌های مشترک بیولوژیکی در انزوای اجتماعی و عدم صمیمیت اشاره کرد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند کاهش سروتونین با انزوای اجتماعی، پرخاشگری، و پاسخ‌دهی شدید به اتفاقات هیجانی ارتباط دارد. از سوی دیگر سروتونین یکی از انتقال دهنده‌های عصبی مطرح در افراد مبتلا به افسردگی است (کاتلر[1] ۲۰۱۶) و افسردگی اغلب با دلبستگی ناایمن در ارتباط است(رایس[2] ۱۹۹۰). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند انتقال‌دهنده‌های عصبی بر شیوه‌ای که ما روابط بین فردی خودمان و دیگران را قضاوت می‌کنیم موثر است. در آزمایش راجرز، به نقل از ولف[3] و همکاران (۲۰۱۱) افرادی که نوشیدنی‌های حاوی سروتونین خورده بودند در مقایسه با گروه گواه، با دیدن عکس‌های زوجین قضاوت‌های عاشقانه و صمیمانه بیشتری داشتند. این پژوهش نشان می‌دهد بقای روابط بین فردی مثبت به شکل گسترده‌ای توسط سروتونین کنترل می‌شود. پس می‌توان گفت دلبستگی اجتنابی منجر به شکل‌گیری طرحواره انزوای اجتماعی/بیگانگی می‌شود و این طرحواره به شکل‌های بیان شده مانع شکل‌گیری صمیمت زناشویی می‌گردد.

افراد دارای طرحواره نقص/شرم در مواجهه اجتنابی با طرحواره‌شان از برقراری رابطه با دیگران اجتناب می‌کنند و احساسات و افکارشان را با کسی در میان نمی‌گذارند (هاشمیان، ۱۳۹۴)، چرا که گمان می‌کنند هیچ چیز ارزشمندی ندارند که با دیگران به اشتراک بگذارند و بیان هر موضوعی از خودشان باعث تحقیر بیشتر خواهد شد. این در حالی است که ایجاد رابطه صمیمانه نیاز به برقراری رابطه، خود افشاسازی دو طرفه و محبت و عطوفت و انباشت پاداش و احساس بی طرفی و عدالت در رابطه دارد (گاتمن و نوتارسیون[4] ۲۰۰۰). در تبیین نقش واسطه طرحواره پذیرش‌جویی/جلب توجه می‌توان به روند شکل‌گیری این طرحواره و تاثیر آن‌ها بر روابط بین فردی اشاره کرد. طرحواره پذیرش‌جویی/جالب توجه از جمله طرحواره‌های شرطی است که در حوزه دیگرجهتمندی قرار دارد. خانواده افراد دارای طرحواره‌های حوزه دیگرجهتمندی، اغلب کودک را با قید و شرط پذیرفته‌اند و کودک آموخته است که به منظور دستیابی به توجه، عشق و پذیرش دیگران باید جنبه‌های مهم شخصیت خود را نادیده بگیرد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۶). این طرحواره منجر به تمرکز افراطی فرد بر تمایلات، احساسات و پاسخ‌های دیگران می‌شود تا شیوه‌ای برای جلب توجه آنها پیدا کند، به گونه‌ای که نیازهای خودش را نادیده می‌گیرد. این کار به منظور دریافت عشق و پذیرش، و تداوم ارتباط با دیگران صورت می‌گیرد در حالی که به دلیل بی‌توجهی فرد به نیازهای خودش و یا در نگاهی درست‌تر به دلیل عدم شکل‌گیری مفهوم مستقلی از خود بدون در نظرگرفتن خواست دیگران، ارتباط سالم و پایداری شکل نخواهد گرفت (شمس نظری، ۱۳۹۱). چرا که از نگاه اریکسون، پیش از شکل‌گیری صمیمیت فرد باید تکالیف مرحله هویت را سپری کرده باشد. اریکسون معتقد است فرد باید در ابتدا حس منسجم هویت را کسب کرده باشد تا بتواند به نزدیکی و اشتراک با دیگران بپردازد و ترس از دست دادن هویت شخصی‌اش را در زمان شکل گیری صمیمیت نداشته باشد (گلد و راجرز[5] ۱۹۹۵). در تبیینی دیگر می‌توان به این نکته اشاره کرد که این طرحواره را می‌توان به عنوان طرحواره شرطی و در پاسخ به طرحواره‌های غیرشرطی در حوزه رهاشدگی و طرد، در نظر گرفت. در این نگاه طرحواره پذیرش‌جویی/جلب توجه می تواند در تلاش فرد برای رهایی از طرحواره‌های غیر شرطی چون نقص/شرم شکل گرفته باشد (یانگ، کلوسکو و ویشار، ۲۰۰۳)، که در این صورت تبیینی مشابه توضیحات پیشین در باب نقش واسطه‌ای طرحواره نقص/شرم در رابطه دلبستگی اجتنابی و عدم صمیمت زناشویی دارد. در همین راستا در سبک مقابله‌ای جبران افراطی طرحواره پذیرش‌جویی/جلب توجه، ممکن است فرد از روابط نزدیک و صمیمی فاصله بگیرد تا به طور کلی توجه دیگران را جلب نکند و به این روش از خود در برابر فعال شدن طرحواره محافظت کند (رافائل، برنستاین و یانگ[6] ۲۰۱۰). پس می‌توان انتظار داشت این طرحواره منجر به عدم شکل‌گیری رابطه صمیمانه زناشویی شود.

---

[1]. Cutle, J. L.
[2]. Rice, K. G.
[3]. Wolff, E.
[4]. Gottman, J. & Notarius, C.
[5]. Gold, J. M., & Rogers, J. D.
[6]. Rafaeli, E., Bernstein, D., P. & Young, J.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

این پژوهش بر روی زنان انجام شده‌است و در تعمیم نتایج آن به مردان باید احتیاط کرد. با توجه به نقش محیط در شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه، در تعمیم نتایج این پژوهش به زنان سایر جوامع باید با احتیاط صورت گیرد. استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارش‌دهی محدودیت‌هایی از قبیل عدم صداقت لازم، مغفول ماندن جنبه‌های ناهشیار و غیره را به دنبال دارد. در این پژوهش از پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ استفاده شده است که توانایی تشخیص طرحواره‌های ناسازگار افرادی که از سبک‌های مقابله‌ای اجتنابی یا جبران افراطی در مواجهه با طرحواره استفاده می‌کنند را ندارد؛ و به دلیل تعدد پرسشنامه امکان بررسی سبک‌های مقابله‌ای اجتنابی و جبران افراطی وجود نداشت. با توجه به کمبود پژوهش‌های انجام شده در حیطه صمیمیت بر روی مردان، پیشنهاد می‌شود این پژوهش بر روی مردان نیز انجام شود. با توجه به تاثیر ویژه دلبستگی بر شکل‌گیری طرحواره‌های حوزه بریدگی و طرد، پیشنهاد می‌شود نقش سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی به تفکیک به عنوان پیش‌بین طرحواره‌های این حوزه بررسی شود. پیشنهاد می‌شود در مشاوره پیش‌از ازدواج، به بررسی طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان عوامل اثرگذار پایدار در روابط زوجین، توجه شود. پیشنهاد می‌شود آموزش‌های فرزندپروری با تاکید بر مفاهیم طرحواره‌ای به عنوان یک آموزش همگانی پیش از فرزندآوری، توسط متخصصین این فن، برای زوجین اجرا شود.

منابع

ابراهیمی، س.، گودرزی، م.، و عیسی نژاد، ا. (۱۳۹۸). کارایی مشاوره قبل از ازدواج با مدل پیوستگی ارتباط بر نیازهای صمیمیت زناشویی در متقاضیان ازدواج. *تحقیقات علوم رفتاری، ۱۷* (۳)، ۵۰۸-۵۱۹.

اعتمادی، ع.، نوابی نژاد، ش.، احمدی، ا.، و فرزاد، و. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر زوج درمانی به شیوه ایماگوتراپی بر افزایش صمیمیت زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۵(۱۹)، ۲۲-۹.

آقایی، آ. و موسوی، م. (۱۳۹۹). رابطه سبک‌های دلبستگی با تمایزیافتگی خود، انعطاف‌پذیری شناختی و صمیمیت زناشویی در دانشجویان. *نشریه رویش روانشناسی*، ۹ (۲)، ۱۰۹-۱۱۶.

امانی، ا.، عیسی نژاد، ا.، عزیزی، آ. (۱۳۹۴). بررسی ساختاری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و عامل‌های شخصیتی سازگاری زناشویی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۱۰(۳۷)، ۷۰-۴۵.

بختیاری، ا.، حسینی، س.، عارفی، م. و افشاری نیا، ک. (۱۳۹۸). مدل علی روابط فرازناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه: نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی. *فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*، ۷ (۲)، ۲۴۵-۲۵۸.

برجی، م.، فرشادنیا، ا.، خرمی، ز. و قهاری، ش. (۱۳۹۸). پیش بینی افکار خودکشی بر اساس معناداری زندگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان. *مجله سلامت اجتماعی*، ۶ (۲)، ۱۸۶-۱۹۵.

پیوسته کار، ز. (۱۳۸۹). *پیش بینی اختلال دلبستگی کودکان بر اساس دلبستگی والدین*. پایان نامه دکتری روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء.

جابری، س.، اعتمادی، ع.، احمدی، ا. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه مهارت های ارتباطی با صمیمیت زناشویی. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۵ (۹)، ۱۵۲-۱۴۳.

حامدی، ب. و زارعی، س. (۱۳۸۹). اثربخشی برنامه غنی سازی ازدواج مبتنی بر رویکرد شناختی رفتاری بر صمیمیت زناشویی معتادان به مواد مخدر و همسرانشان. *فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*،۴(۱۶)،۱۰۲-۹۳.

سیفی‌زاده، حامد؛ زارعی محمودآبادی، حسن؛ و بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۸). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سازگاری زناشویی با واسطه گری ترس از صمیمیت در متأهلین. *فصلنامه علمی و پژوهشی خانواده پژوهی، ۱۱* (۶۰)، ۴۶۷-۴۸۶.

شجاع الدینی، ع. و عزیزی سعید، ی. (۱۳۹۷). ارتباط طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی در زندانیان دارای اختلال شخصیت مرزی زندان مرکزی همدان. *مجله علوم مراقبتی نظامی*، ۵(۳)، ۲۲۰-۲۲۷.

شعبانی خدیو، ا. و احمدیان، ح. (۱۳۹۸). رابطهٔ ارضاء نیازهای بنیادی روانی و اختلال تنظیم هیجانی با نقش میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۲۰ (۱)، ۱۰۱-۱۱۱.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

شکر کن، ح.، خجسته مهر، ر.، عطاری، ی.، حقیقی، ج.، شهنی ییلاق، م. (۱۳۸۵). بررسی ویژگیهای شخصیتی ، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به عنوان پیش‌بینی‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج های متقاضی طلاق و عادی در اهواز. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۱۳، ۱.

شمس نطنزی، علیرضا (۱۳۹۱). *بررسی تاثیر سبک های دلبستگی بر بخشایشگری و رضایت زناشویی در زوجین شهر ماسال*. پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی دانشگاه پیام نورتهران.

فتح الله‌زاده، ن.، میرصفی فرد، ل.، کاظمی، م.، سعادتی، ن. و نوابی نژاد، ش. (۱۳۹۶). اثربخشی غنی‌سازی زندگی زناشویی بر اساس نظریه انتخاب بر کیفیت روابط زناشویی و صمیمیت زوج‌ها. *فصلنامه روانشناسی کاربردی، ۱۱*(۳)، ۳۵۳-۳۷۲.

فراوانی، ر.، امینی، ن.، دیره، ع.، و شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۹۸). مدل‌یابی معادلات ساختاری پیش‌بینی اعتیادپذیری بر اساس طرحواره وابستگی/بی‌کفایتی و تحمل پریشانی با نقش میانجی‌گری سیستم‌های مغزی/رفتاری در دانش‌آموزان. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۰*(۳۸)، ۳۱-۵۷.

نظری، ف.، اعتمادی، ع. و عابدی، ا. (۱۳۹۸). اثربخشی غنی‌سازی روابط زوجین به شیوه اولسون بر صمیمیت زناشویی زوجین. *تحقیقات علوم رفتاری، ۱۷*(۳)، ۴۴۸-۴۵۶.

هادی، س.، اسکندری، ح.، سهرابی، ف.، معتمدی، ع.، فرخی، ن. (۱۳۹۵). مدل ساختاری پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرحواره های ناسازگار اولیه (در افراد دارای روابط فرازناشویی عاطفی). *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۷*(۲۸)، ۶۰-۳۳.

هاشمیان، ر. (۱۳۹۴). *نقش سبک دلبستگی مادر و طرحواره های ناسازگار اولیه بر اضطراب اجتماعی نوجوانان شهر تهران با تعدیل گری سنخ جنسیتی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه پیام نور تهران جنوب.

Alder, M.C., Yogason, J. B., Sandberg, J. G., Davis, S. (2018). Perceptions of Parents' Marriage Predicting Marital Satisfaction: The Moderating Role of Attachment Behaviors. *Journal of Couple & Relationship Therapy*,*17*(2), 146-164.

Arntz, A. (2018). Schema therapy. *Science and Practice in Cognitive Therapy: Foundations, Mechanisms, and Applications*, 65.

Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: a test of a four-category model. *Journal of personality and social psychology*, *61*(2), 226.

Bean, R. C., Ledermann, T., Higginbotham, B. J., & Galliher, R. V. (2020). Associations between Relationship Maintenance Behaviors and Marital Stability in Remarriages. *Journal of Divorce & Remarriage*, *61*(1), 62-82.

Cutle, J. L. (2016). Kaplan and Sadock's synopsis of psychiatry. *Journal of Psychiatric Practice®*, *22*(1), 68-69.

Eken, E. (2017). The Role of Early Maladaptive Schemas on Romantic Relationships: A Review study. *International Journal of Social Sciences*,3(3).

Estévez, A., Ozerinjauregi, N., Herrero-Fernández, D., & Jauregui, P. (2019). The mediator role of early maladaptive schemas between childhood sexual abuse and impulsive symptoms in female survivors of CSA. *Journal of interpersonal violence*, *34*(4), 763-784.

Feeny, J.A., & Noller, P. (1990). Attachment styles a predictor of adult romantic relationships. *Journal of personality and Social Psychology*. *58* (29), 281-291.

Fraley, R. C., Waller, N. G., & Brennan, K. A. (2000). An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. Journal of Personality and Social Psychology, *78*(1), 350–365.

Gold, J. M., & Rogers, J. D. (1995). Intimacy and isolation: A validation study of Erikson's theory. *Journal of Humanistic Psychology*, *35*(1), 78-86.

Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2000). Decade review: Observing marital interaction. *Journal of Marriage and Family*, *62*(4), 927-947.

Khan, F., Fraley, R. C., Young, J. F., & Hankin, B. L. (2019). Developmental trajectories of attachment and depressive symptoms in children and adolescents. *Attachment & human development*, 1-17.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

Kline, R. B. (2016). *Principles and practice of structural equation modeling* (4th Ed.), New York: The Guilford Press.
Konok, V., Gigler, D., Bereczky, B. M., & Miklósi, Á. (2016). Humans' attachment to their mobile phones and its relationship with interpersonal attachment style. *Computers in Human Behavior*, *61*, 537-547.
Markman, H. J., Floyd, F. J., Stanley, S. M., & Storaasli, R.D. (1988). Prevention of marital distress: A longitudinal investigation. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, *56*(2), 210-217.
Maxwell, M. D., Davis, S. D., Miller, M. M., & Woolley, S. R. (2020). Covenant Attachment: A Constructivist Grounded Theory of Christian Couples and God. *Journal of Marital and Family Therapy*, *46*(1), 110-123.
O'Connor, P., Izadikhah, Z., Abedini, S., & Jackson, C. J. (2018). Can Deficits in Emotional Intelligence Explain the Negative Relationship Between Abandonment Schema and Marital Quality? *Family Relations.* 67(4), 510-522.
Phillips, K., Brockman, R., Bailey, P. E., & Kneebone, I. I. (2019). Young Schema Questionnaire–Short Form Version 3 (YSQ-S3): Preliminary validation in older adults. *Aging & mental health*, *23* (1), 140-147.
Pietromonaco, P. R., & Beck, L. A. (2019). Adult attachment and physical health. *Current opinion in psychology*, *25*, 115-120.
Poletti, B., Carelli, L., Solca, F., Pezzati, R., Faini, A., Ticozzi, N., & Silani, V. (2019). Sexuality and intimacy in ALS: systematic literature review and future perspectives. *Journal of Neurology, Neurosurgery & Psychiatry*, *90*(6), 712-719.
Rice, K. G. (1990). Attachment in adolescence: A narrative and meta-analytic review. *Journal of youth and Adolescence*, *19*(5), 511-538.
Schaefer, M. T., & Olson, D. H. (1981). Assessing intimacy: The PAIR inventory. *Journal of marital and family therapy*, *7*(1), 47-60.
Schermelleh-Engel, K., Moosbrugger, H., & Müller, H. (2003). Evaluating the fit of structural equation models: Tests of significance and descriptive goodness-of-fit measures. *Methods of psychological research online*, *8* (2), 23-74.
Steuber, K. R. (2005). *Adult attachment, conflict style, and relationship satisfaction: A comprehensive model* (Doctoral dissertation, University of Delaware).
Thompson, A. E., Capesius, D., Kulibert, D., & Doyle, R. A. (2020). Understanding Infidelity Forgiveness: An Application of Implicit Theories of Relationships. *Journal of Relationships Research*, *11*(1), 1-10.
Vowels, L. M., & Mark, K. P. (2020). Partners' Daily Love and Desire as Predictors of Engagement in and Enjoyment of Sexual Activity. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 1-13.
Wagner, S. A., Mattson, R. E., Davila, J., Johnson, M. D., & Cameron, N. M. (2020). Touch me just enough: The intersection of adult attachment, intimate touch, and marital satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, *37*(6), 1945-1967.
Walker, A. J., & Thompson, L. (1983). Intimacy and intergenerational aid and contact among mothers and daughters. *Journal of Marriage and the Family*, *45*(4), 841-849
Wardrope, A., Green, B., Norman, P., & Reuber, M. (2019). The influence of attachment style and relationship quality on quality of life and psychological distress in carers of people with epileptic and nonepileptic seizures. *Epilepsy & Behavior*, *93*, 16-21.
Yong، J. (1999). *Cognitive therapy for personality disorder: schema focused approach*. New York: Professional Research Press.
Young, J. E. (2005). *Young Schema Questionnaire – Short Form 3 (YSQ-S3).* New York, NY: Cognitive Therapy Center.
Young, J. E., Beck, T. (1993). *Clinical handbook of psychological disorders*. New York: Guilford press.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. Guilford Press. *The Wiley-Blackwell Handbook of Schema Therapy: Theory, Research, and Practice.*

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

The Mediating Role of Early Maladaptive Schemas in the Relationship Between Attachment Style and Marital Intimacy

Mehran Azadi[1], Nasim Saani[2]

Abstract

The purpose of this study was to mediating role of early maladaptive schemas in the relationship between attachment style and marital intimacy. The quantitative - correlation method was used. The statistical population consists of all married women referring to Zargandeh neighborhood house in Tehran city in year 2020. In this study, according to convenience sampling method, 260 people by formula Kline (2015) were selected as samples and they were asked to marital intimacy scale of Fraley, Waller and Brennan (2000), early maladaptive schemas scale of Young (2005) and attachment style scale of Walker and Thompson (1983). After exclusion of 11 outlier data was finally, 249 people were analyzed with using SPSS and Lisrel software was investigated. The proposed model had an acceptable fitness to the data. Overall, the results showed more the direct paths of were found significant (P<0/05). Also results showed, Also this model showed indirect path attachment style with marital intimacy through moderating role early maladaptive schemas in married women. The evaluated model has a good fit and is an important step in identifying the factors that are effective in marital intimacy in married women.

Keywords: Early Maladaptive Schemas, Attachment Style, Marital Intimacy.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

1Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

2Master's degree, Personality Psychology, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran